



Pathology and Prioritization of Factors Hindering the Development of Rural Businesses (A Case Study of Rural Area in Gachsaran County)

Hossein Zinati Fakhrabad^{1✉} | Seyed Amir Hossein Garkani² | Sajad Amiri³ | Nabiallah Soltani Ghiathund⁴

1. Corresponding Author, Center for Rural Development Studies, Natural Disaster Research Institute, Tehran, Iran. E-mail: h.zinati67@gmail.com
2. Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.. E-mail: garkani@ndri.ac.ir
3. Center for Rural Development Studies, Natural Disaster Research Institute, Tehran, Iran. E-mail: amiri@ut.ac.ir
- 4- Center for Rural Development Studies, Natural Disaster Research Institute, Tehran, Iran. E-mail: soltani@ndri.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
27. 06. 2023
Revised:
09. 01. 2024
Accepted:
09. 01. 2024

Keywords:
Rural Business,
Rural Development,
Rural Entrepreneurship.

Introduction: Due to their inherent role in job creation and the development of creativity, rural businesses can play a significant role in creating a sense of hope and belonging among the villagers. Indeed, the development of rural businesses is an important factor in the sustainable development of countries and the enhancement of life quality within rural communities. These businesses can help create employment, increase local production, preserve local culture and heritage, and improve rural infrastructure. Nevertheless, even though rural businesses are vital components of economic activities in rural areas, they have not received much attention and their development is facing obstacles and limitations. In this regard, the present research was designed and carried out to identify and prioritize the factors hindering the development of rural businesses in the Gachsaran rural system.

Methodology: The research is a quantitative study in terms of the paradigm, an applied study in terms of the goal, and a descriptive survey in terms of data collection and analysis. The statistical population included the villagers with businesses in Gachsaran County. Based on Cochran's formula, the sample size was determined as 217, and the participants were selected by stratified random sampling with proportional assignment. The research instrument was a researcher-made questionnaire whose validity was confirmed by a group of experts and whose reliability was confirmed by calculating Cronbach's alpha coefficient. SPSS version 26 and LISREL version 8.8 software were used to analyze the data both descriptively and inferentially.

Findings: According to the results, the individual-personality factors, psychological factors, environmental, educational, and cultural barriers, and economic barriers were identified as the most important barriers to business development from the point of view of the participant villagers. In fact, it can be said that the rules governing the rural society, especially the family, such as the inability to speak in public, weak bargaining power in the profession and work, and not accepting responsibility are effective in the development and employment of home businesses and are among the factors and reasons for the reduced economic activities of villagers (men and women).

Conclusion/ Implications: Based on the factors identified for preventing rural businesses, it can be concluded that the development of rural businesses has failed to prosper properly due to various obstacles such as individual-personality, psychological, environmental, educational-cultural, and economic obstacles. Therefore, for the development of rural businesses, these obstacles should be identified and appropriate solutions should be provided to overcome them. Based on the results, the approaches to creating rural businesses at the regional level may include developing educational programs in the studied rural community to transform the cultural beliefs of families and the rural community regarding the capabilities of the villagers, providing facilities in line with the creation and development of small businesses for the villagers, and identifying and introducing successful entrepreneurs as successful models.

Cite this article:

Zinati Fakhrabad, H., Garkani, S. A. H., Amiri, S., & Soltani Ghiathund, N. (2024). Pathology and Prioritization of Factors Hindering the Development of Rural Businesses (A Case Study of Rural Area in Gachsaran County). *Journal of Entrepreneurship Research*, 3(2), 37-50.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2024.2005758.1045>



© The Author(s).

Publisher: Ilam University Press.

آسیب‌شناسی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده توسعه کسب‌وکارهای روستایی (مورد مطالعه: منظومه روستایی شهرستان گچساران)

حسین زینتی فخرآباد^۱ | سید امیر حسین گرکانی^۲ | سجاد امیری | نبی‌اله سلطانی غیاثوند^۳

۱. نویسنده مسئول، مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. رایانامه: zinati67@gmail.com
۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: garkani@ndri.ac.ir
۳. مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. رایانامه: amiri@ut.ac.ir
۳. مرکز مطالعات توسعه روستایی، پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. رایانامه: soltani@ndri.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه: کسب‌وکارهای روستایی به دلیل ماهیت اشتغال‌زایی و توسعه خلاقیت‌ها می‌توانند نقش به‌سزایی در ایجاد حس امید و تعلق مکانی در بین روستاییان داشته باشد، در واقع، توسعه کسب‌وکارهای روستایی یکی از عوامل مهم در توسعه پایدار کشورها و افزایش کیفیت زندگی جامعه روستایی محسوب می‌شوند. این کسب‌وکارها می‌توانند به ایجاد اشتغال، افزایش تولیدات محلی، حفظ فرهنگ و میراث محلی و بهبود زیرساخت‌های روستایی کمک کنند. با این وجود، کسب‌وکارهای روستایی علی‌رغم این‌که از بخش‌های حیاتی و ضروری فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی محسوب می‌شوند، اما تاکنون مورد توجه چندانی قرار نگرفته‌اند و توسعه آن‌ها با موانع و محدودیت‌های مواجه است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف اصلی آسیب‌شناسی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده توسعه کسب‌وکارهای روستایی در منظومه روستایی گچساران طراحی و انجام شد.

نوع مقاله:

مقاله علمی - پژوهشی

روش‌شناسی: پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم کمی بوده و از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، شامل روستاییان دارای کسب‌وکار در شهرستان گچساران بودند. براساس فرمول کوکران تعداد ۲۱۷ نفر از آن‌ها به‌عنوان حجم نمونه تعیین و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته بود که روایی آن توسط گروهی از متخصصان و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و LISREL نسخه ۸/۸ استفاده شد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۰۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۰/۱۹

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که به‌ترتیب اولویت عوامل فردی - شخصیتی، روان‌شناختی، موانع محیطی، آموزشی - فرهنگی و موانع اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کسب‌وکار از دیدگاه روستاییان مورد مطالعه شناسایی شدند. در واقع، می‌توان گفت که اصول حاکم بر جامعه روستایی و به‌خصوص خانواده از جمله عدم توانایی صحبت کردن در جمع، ضعف قدرت چانه‌زنی در حرفه و کار و قبول نکردن مسئولیت بر توسعه و اشتغال در کسب‌وکارهای خانگی مؤثر است و از عوامل و دلایل کاهش فعالیت‌های اقتصادی روستاییان (زنان و مردان) به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها:

کسب‌وکار روستایی، توسعه روستایی، کارآفرینی روستایی.

نتیجه‌گیری / دستاوردها: با توجه به شناسایی عوامل بازدارنده کسب‌وکارهای روستایی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کسب‌وکارهای روستایی به‌دلیل موانع مختلفی نظیر عوامل فردی - شخصیتی، روان‌شناختی، موانع محیطی، آموزشی - فرهنگی و موانع اقتصادی قادر به موفقیت و رشد شایسته نیستند؛ بنابراین، برای توسعه کسب‌وکارهای روستایی، باید این موانع را شناسایی کرده و راهکارهای مناسبی را برای غلبه بر آن‌ها ارائه داد. بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده، تدوین برنامه‌های آموزشی در جامعه روستایی مورد مطالعه باهدف ایجاد تحول در باورهای فرهنگی خانواده‌ها و جامعه روستایی نسبت به توانمندی روستاییان، ارائه تسهیلاتی در راستای ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک برای روستاییان و شناسایی و معرفی افراد موفق کارآفرین به‌عنوان الگوی موفق را به‌عنوان راهکارهای ایجاد کسب‌وکارهای روستایی در سطح منطقه در نظر گرفت.

استناد:

زینتی فخرآباد، حسین، گرکانی، سید امیر حسین، امیری، سجاد، و سلطانی غیاثوند، نبی‌اله. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده توسعه کسب‌وکارهای روستایی (مورد مطالعه: منظومه روستایی شهرستان گچساران). *مجله پژوهش‌های کارآفرینی*، ۳ (۲)، ۵۰-۳۷.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2024.2005758.1045>

ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام

© نویسندگان.



مقدمه

به اعتقاد اغلب نظریه‌پردازان توسعه، عامل انسانی و نقش آن در هدایت جریان توسعه اهمیت بسیاری دارد (Jalaliyan & Saadi, 2015). بسیاری از جامعه‌شناسان بر نقش روستاییان در توسعه تأکید داشته و معتقدند بدون مشارکت آن‌ها راه برای توسعه هموار نخواهد شد (Abedi et al., 2013). توجه به مشارکت و اشتغال روستاییان و تلاش برای رفع موانع و بازدارنده‌های آن، به‌عنوان یکی از ضرورت‌ها و الزامات توسعه پایدار در این بخش محسوب می‌شود (Jaliliyan et al., 2023). یکی از راهبردهای تحقق توسعه روستایی، توجه به ظرفیت‌های بالقوه موجود در این مناطق است. کسب‌وکارهای روستایی به‌دلیل ماهیت اشتغال‌زایی و توسعه خلاقیت‌ها می‌توانند نقش به‌سزایی در ایجاد حس امید و تعلق مکانی در بین روستاییان داشته باشد. درواقع، توسعه کسب‌وکارهای روستایی یکی از عوامل مهم در توسعه پایدار کشورها و افزایش کیفیت زندگی جامعه روستایی محسوب می‌شوند. این کسب‌وکارها می‌توانند به ایجاد اشتغال، افزایش تولیدات محلی، حفظ فرهنگ و میراث محلی، و بهبود زیرساخت‌های روستایی کمک کنند. با این وجود، توسعه کسب‌وکارهای روستایی با مشکلات و چالش‌هایی روبرو است که نیاز به آسیب‌شناسی دقیق و اولویت‌بندی این عوامل دارد (Javaheri & ghezavati, 2005). چالش اصلی در حوزه کسب‌وکارهای روستایی عدم شناسایی عوامل بازدارنده کسب‌وکارها متناسب با ظرفیت‌های هر منطقه است و نمی‌توان عوامل بازدارنده را در همه مناطق یکسان در نظر گرفت، از سوی دیگر لازمه شناخت موانع کسب‌وکارها، شناسایی ظرفیت‌های بالقوه موجود در مناطق است، یکی از راهبردهای توسعه روستایی در کشور، نگاه منطقه به حوزه توسعه کسب‌وکارهای روستایی است و با نگاه صرف نقطه به روستا و عدم شناخت روستاهای هم‌جوار موفقیت امکان‌پذیر نیست. درواقع، منظومه‌های روستایی به دنبال تبیین ارتباط فضایی بین روستایی مختلف در مناطق است و یکی از منظومه‌های روستایی، منظومه روستایی گچساران است. وجود میدان‌ها و تأسیسات نفتی و گازی در سطح منظومه گچساران مهم‌ترین ویژگی این محدوده بوده که ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کالبدی منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ به‌طوری‌که شهر دو گنبدان به‌عنوان تنها نقطه شهری منظومه دارای سطح بالایی از خدمات بوده که توانسته سهم به‌سزایی در تأمین نیازهای سکونتگاه‌های روستایی در منظومه داشته باشد؛ چنانچه بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی توانسته‌اند نیازهایی از قبیل خدمات آموزشی در سطوح دانشگاهی، بهداشتی - درمانی، مالی، بازرگانی و فرهنگی را از درون منظومه برآورده سازند. منظومه گچساران به‌عنوان پل ارتباطی بین استان‌های فارس و اصفهان با غرب و بندرها جنوب غرب کشور (استان‌های خوزستان و بوشهر) دارای دو محور ارتباطی شرقی - غربی (بهبهان - بابا میدان) و شمالی - جنوبی (گچساران - چرام) است؛ عبور این دو محور از منظومه گچساران باعث ایجاد دسترسی به مراکز مهم اقتصادی و شهرهای اصلی در منطقه شده که می‌تواند تضمین‌کننده رونق بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین، تأمین نیازهای ساکنین سکونتگاه‌های روستایی باشد. برآورد صورت گرفته از وضعیت شبکه‌های ارتباطی در سطح سکونتگاه‌های منظومه نشان از سطح نسبی بالای برخورداری منظومه در این بخش دارد که فرصتی مناسب برای ساماندهی ساختار کالبدی - خدماتی منظومه خواهد بود. مجموع عواملی که در بالا ذکر گردید با توجه به پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی روستاییان و ضرورت خوداشتغالی آنان در جهت توسعه روستایی و نیز رشد و توسعه اقتصادی کشور، فراهم آوردن شرایط، امکانات و زمینه‌های لازم به‌منظور توانمندی این قشر از جامعه، اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا کرده است. همچنین، با توجه به این که مناطق روستایی شهرستان گچساران، نزدیک به ۲۱ درصد از جمعیت آن‌ها را تشکیل می‌دهد و نقش این درصد جمعیت در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این شهرستان‌ها بسیار حائز اهمیت و قابل توجه است؛ بنابراین، با تأثیر به‌سزایی که کسب‌وکارهای روستاییان و کارآفرینی در توسعه اشتغال این مناطق دارد، شناسایی بازدارنده‌های توسعه کسب‌وکارها در بین روستاییان شهرستان گچساران با وضعیت نامساعد اشتغال روستایی آن، مسئله‌ای است که این پژوهش به‌دنبال پاسخ‌گویی به آن است. در واقع، این پژوهش به‌دنبال شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای روستایی است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دستیابی به توسعه زمانی محقق می‌شود که در برنامه‌های توسعه اولویت اصلی به توسعه منابع انسانی داده شود (Jaliliyan et al., 2021; Alambeigi et al., 2018). در این راستا، کسب‌وکارهای روستایی به دلیل ذی‌نفع بودن، انگیزه بیشتری برای افراد خواهد داشت، همین امر سبب می‌شود عملکرد بهتری داشته باشند و در نتیجه بهره‌وری افزایش یابد (Gibson & Olivia, 2010). گالوای و کاپاسی (Galloway & Kapasi, 2014) نیز کسب‌وکار خانگی را شکلی از خوداشتغالی تعریف می‌کنند که فرد از وسایل و امکانات محل سکونت خود به‌عنوان پایه‌ای برای انجام فعالیتی تولیدی یا خدماتی بهره می‌برد تا درآمد کسب کند. صرف‌نظر از چگونگی تعریف کسب‌وکار خانگی، تأکید بر خانه به‌عنوان محل اصلی کسب‌وکار شناخته می‌شود (Taggart, 2010). براساس نظریه ویلیام (Wiliam, 2019) عوامل شخصی، روانی و محیطی در کارآفرینی مهم هستند. تصمیم‌گیری یا فقدان تصمیم‌گیری برای ورود به کسب‌وکار و تعقیب ایده کارآفرینی به عواملی همچون زمینه‌های شغلی، شرایط کودکی، خانواده، دوستان، الگوی نقش و وضعیت اقتصادی تجارب قبلی بستگی دارد (Yaghoubi et al., 2014).

جدول ۱. پیشینه مطالعاتی در حوزه کسب‌وکارهای روستایی

نویسندگان	سال	موضوع	نتیجه
Mirlotfi et al.	2013	آسیب‌شناسی آثار توسعه‌ی مشاغل خانگی بر روستاهای بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه	کمبود امکانات فیزیکی، مشکلات مالی، موانع قانونی، کمبود اطلاعات، مشکلات اجتماعی، نبود حمایت مسئولان، رکود بازار خرید محصولات، پایین بودن سطح مهارت صاحبان کسب‌وکارها
Rezaei & Najafi	2015	موانع راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارها در مناطق روستایی	ضعف حمایتی، محدودیت کسب‌وکارهای خانگی، ضعف زیرساختی و فرهنگی، ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی و نبود قوانین مرتبط
Taki et al.	2017	شناسایی شایستگی‌های بازدارنده پایداری کارآفرینان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط	خودبرتری، سست‌عنصری، ضعف در تحلیل، بداخلاقی، ضعف در مهارت‌های کسب‌وکار، عدم رضایت از شغل و نداشتن تجربه کافی
Najafi & Safa	2013	موانع و چالش‌های توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه در مناطق روستایی	شامل نبود طرح کسب‌وکار مناسب، تجربه و تخصص پایین روستاییان، نبود دسترسی مناسب روستاییان به بازار، دسترسی ضعیف به اطلاعات و منابع اطلاعاتی، تأمین نشدن اعتبار مالی
Gelard et al.	2016	رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی با عملکرد کسب‌وکارهای رزان	ارتباطات گسترده و مؤثر رزان از طریق شبکه‌های اجتماعی به عملکرد بهتر آن‌ها در زمینه کسب‌وکار می‌شود
Yaghoubi Farani et al.	2014	عوامل بازدارنده گرایش‌های رزان به کارآفرینی	عوامل فرهنگی اجتماعی، زیرساختی و مالی، شخصیتی، حمایتی، خانوادگی و آموزشی
Moradnezehadi et al.	2019	واکاوی موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی در مناطق روستایی استان ایلام	عامل‌های اقتصادی سیاستی، تجربه کسب‌وکار، مهارتی، آموزشی، فرهنگی اجتماعی و روان‌شناختی
Mohammedi et al	2020	تحلیل موانع محیطی مؤثر بر گرایش روستاییان به کسب‌وکارهای خرد کارآفرینانه مطالعه موردی: شهرستان‌های مریوان و سروآباد کردستان	موانع قانونی، ضعف در سیاست‌گذاری و نارسایی در تأمین در زیرساخت‌ها، خدمات و امکانات، با دارا بودن بیشترین شاخص تجمع یافته
Abedi et al.	2014	موانع توسعه‌ی کسب‌وکارهای خانگی رزان در مناطق روستایی	موانع فردی - شخصیتی، موانع اقتصادی - مالی، موانع فرهنگی - اجتماعی، خانوادگی و موانع نهادی - قانونی
Ghorbani piralidehi	2021	شناسایی موانع توسعه کسب‌وکارهای روستایی با رویکرد ماندگاری ساکنین (مورد مطالعه: روستاهای مرزی استان ایلام)	عوامل فردی و اجتماعی و فرهنگی، عوامل اداری و حمایتی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل امنیتی و سیاسی

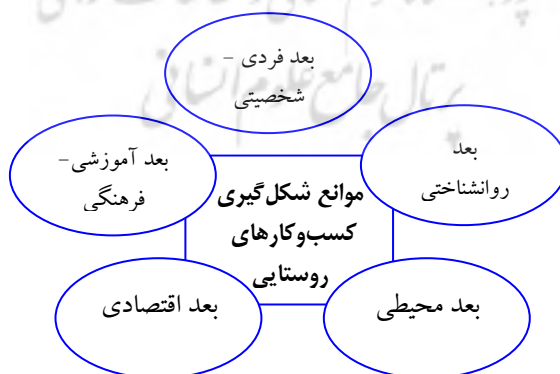
شیر و گریگور (Shabbir & Gregorio, 1996) نیز در نظریه خود اثرات فاکتورهای ساختاری را بر توانایی‌های افراد در ورود به کسب‌وکار در نظر گرفتند. عوامل ساختاری با توجه به اهداف شخصی اثراتی متفاوت دارد. این عوامل به سه دسته منابع داخلی، خارجی و ارتباطی (ارتباطات با خانواده، کارکنان، مشتریان، عرضه‌کنندگان) طبقه‌بندی شده‌اند. زنان شاغل با عقاید محکم و استوار خود نه تنها به عقاید کاری خود اطمینان دارند، بلکه خانواده و دوستان، برای عملی کردن این افکار آن‌ها را تشویق می‌کنند. با توجه به نظریه شیر و گریگور؛ در فرهنگ‌های شرقی و کشورهای در حال توسعه هر تصمیمی با تأیید بزرگ خانواده اجرا می‌شود (نقش خویشاوندی بر نقش فردی اولویت دارد) و این مورد بیشتر در رابطه با زنانی صدق می‌کند که می‌خواهند کسب‌وکاری را شروع کنند و میزان حمایت خانواده نقشی قاطع در موفقیت رنان دارند. کارآفرینی روستایی به‌عنوان یک فرایند خلاقانه و خودمختار، در توسعه اقتصادی روستاها و کاهش فقر و بیکاری مؤثر است. در این راستا، چندین نظریه در زمینه کارآفرینی روستایی مطرح شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- نظریه توسعه‌یافتگی محلی: این نظریه بر این اصل تأکید دارد که برای توسعه کارآفرینی در روستاها، باید با توجه به منابع و قابلیت‌های محلی عمل کرد. به‌عبارت‌دیگر، باید از منابع محلی مانند زمین، آب، چوب و غیره، برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید استفاده کرد.

۲- نظریه تعامل اجتماعی: این نظریه بر این اصل تأکید دارد که کارآفرینی روستایی بر اساس تعامل و همکاری بین افراد در روستا و با بخش‌های دیگر اجتماع باید صورت گیرد. به‌عبارت‌دیگر، باید با ایجاد شبکه‌های اجتماعی و تعامل با سایر کسب‌وکارها، از تجربیات و منابع دیگر استفاده کرد.

۳- نظریه ابتکار محلی: این نظریه بر این اصل تأکید دارد که برای کارآفرینی موفق در روستاها، باید از ابتکار محلی استفاده کرد. به‌عبارت‌دیگر، باید به افراد محلی اجازه داده شود تا با توجه به نیازهای محلی خود، کسب‌وکارهای جدید را آغاز کنند.

۴- نظریه توسعه‌یافتگی اقتصادی: این نظریه بر این اصل تأکید دارد که برای کارآفرینی موفق در روستاها، باید به توسعه‌یافتگی اقتصادی توجه کرد. به‌عبارت‌دیگر، باید از روش‌های جدید تولید و تبلیغات استفاده کرد و با ایجاد بازارهای جدید، فرصت‌های جدیدی را برای رشد کسب‌وکارهای روستایی فراهم کرد. بر مبنای پژوهش انجام‌شده در حوزه کسب‌وکارهای روستایی مندرج در جدول ۱، عوامل مختلفی که مانع ایجاد و رشد کسب‌وکارهای روستایی می‌شوند، شناسایی شده‌اند.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

به‌طور کلی، مانع‌های کسب‌وکارهای روستایی را می‌توان به چند دسته اصلی زیر تقسیم کرد:

۱- مانع‌های اقتصادی: این عوامل شامل کمبود منابع مالی، کمبود بازار فروش، کمبود تسهیلات بانکی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و تأمین نیروی کار و غیره می‌شوند.

- ۲- مانع‌های فنی و فرهنگی: این عوامل شامل کمبود دانش و مهارت‌های فنی، کمبود زیرساخت‌های فنی و فرهنگی، کمبود منابع آموزشی، کمبود دسترسی به فناوری‌های نوین و غیره می‌شوند.
- ۳- مانع‌های سیاسی و قانونی: این عوامل شامل نظام مالی و مالیاتی ناکارآمد، محدودیت‌های قانونی، کمبود حمایت دولتی و عدم توجه دولت به توسعه کسب‌وکارهای روستایی و غیره می‌شوند.
- ۴- مانع‌های اجتماعی و انسانی: این عوامل شامل کمبود توانمندی‌های مدیریتی، کمبود اعتماد و همکاری، کمبود شبکه‌های ارتباطی، کمبود نیروی کار ماهر و غیره می‌شوند.
- با شناسایی این مانع‌ها، می‌توان برنامه‌های کارآفرینی روستایی را طراحی کرد و راهکارهای مناسبی برای ایجاد و رشد کسب‌وکارهای روستایی ارائه داد. باتوجه به نتایج تحقیقات صورت‌گرفته؛ می‌توان موانع توسعه کسب‌وکارها از دیدگاه روستاییان را به صورت مدل مفهومی زیر خلاصه کرد (شکل، ۱).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم کمی بوده و از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع میدانی و از منظر کنترل متغیرها نوعی تحقیق غیرآزمایشی است که به شیوه پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، روستاییان شهرستان گچساران که دارای کسب‌وکار در روستا بودند. براساس فرمول کوکران تعداد ۲۱۷ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه طراحی شده توسط پژوهشگران بود که برپایه‌ای مبانی نظری و پیشینه پژوهش تدوین شد. در پرسشنامه تدوین شده، مبتنی بر پیشینه پژوهش، مولفه‌های تدوین شده در پنج حوزه مشخص شده است که شامل مولفه فردی شخصیتی (سه گویه)، روانشناختی (چهار گویه)، آموزش-فرهنگی (چهار گویه)، محیطی (سه گویه)، اقتصادی (پنج گویه) است. روایی ابزار پژوهش توسط صاحب‌نظران مرتبط مورد تأیید قرار گرفت و پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار نیز با انجام یک پیش‌آزمون و استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که ضریب آلفای (۰/۸۰) α به دست آمد که این رقم نشان‌دهنده قابلیت اعتماد و پایایی لازم ابزار پژوهش بود. به منظور شناسایی عامل‌ها و تأثیر متغیرهای مرتبط با هر مولفه در وهله اول مقادیر بارعاملی بر مبنای تحلیل عاملی اکتشافی مدنظر قرار گرفت و بعد از مشخص شدن مقادیر بارعاملی و درصد واریانس تبیین شده، از نرم افزار لیزرل برای بررسی ارتباط بین مولفه‌ها و نشانگرها استفاده شد و بر مبنای مدل اندازه‌گیری برازش یافته، عوامل بازدارنده توسعه کسب‌وکار از دیدگاه روستاییان در حالت استاندارد، چارچوب نهایی مدل تدوینی و ارتباط بین مولفه‌ها مشخص شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و LISREL نسخه ۸/۸ استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج به دست آمده نشان داد که سن جامعه مورد مطالعه بین ۱۸ تا ۶۹ سال متغیر بود (میانگین ۳۷/۵۳۹ و انحراف معیار ۹/۰۷۸). از مجموع جامعه مورد بررسی ۴۲/۱ درصد زن و ۵۷/۹ درصد مرد بودند. سطح تحصیلات بیشتر آن‌ها فوق‌دیپلم و بالاتر ۴۰/۶ درصد) و کمتر از ۲/۳ درصد بی‌سواد، ۴/۶ درصد خواندن و نوشتن، ۷/۸ درصد ابتدایی، ۱۲ درصد راهنمایی و ۳۲/۷ درصد نیز دارای مدرک دیپلم بودند. از نظر وضعیت تأهل حدود ۲۳/۵ درصد از پاسخگویان متأهل و ۷۶/۵ درصد نیز مجرد بودند. از بین افراد مورد مطالعه ۱۸/۸ درصد دارای کسب‌وکار در بخش کشاورزی، ۱۱/۷ درصد در بخش دامی ۵۰/۳ درصد و در بخش صنعت ۱۹/۲ درصد بودند به گونه‌ای که افراد مورد مطالعه دارای کسب‌وکارهای روستایی در بخش صنعت بیشترین فراوانی را به خود

اختصاص داده‌اند. سابقه فعالیت و راه‌اندازی کسب‌وکار پاسخگویان با میانگین ۴/۹۲ سال و انحراف‌پذیر ۵/۴۳ سال بین یک سال تا ۳۵ سال متغیر بود.

جدول ۲. مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت

تحلیل عاملی	KMO	بارتلت	سطح معنی داری
عوامل بازدارنده توسعه کسب‌وکارها	۰/۸۷	۱۹۲۶/۷۶۸	۰/۰۰۰**

در ادامه، باهدف دسته‌بندی «موانع راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارها در مناطق روستایی» و تعیین مقدار واریانس تبیین‌شده توسط هر کدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته‌بندی‌شده، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح یک درصد ۰/۰۱ و مقدار مناسب KMO (۰/۸۷) بیانگر مناسب بودن متغیرهای موردنظر برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی بود. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، به‌طور کلی هفت عامل استخراج‌شده توانسته‌اند جدول ۶۷/۰۷ درصد از واریانس کل موانع راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای خانگی روستایی را تبیین کنند (جدول، ۲).

جدول ۳. مقدار ویژه و واریانس هر یک از مؤلفه‌های استخراج‌شده

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	واریانس تجمعی
۱	۴/۴۹۳	۲۳/۶۴۷	۲۳/۶۴۷
۲	۲/۳۹۹	۱۲/۶۲۸	۳۶/۲۷۵
۳	۲/۱۹۵	۱۱/۵۵۱	۴۷/۸۲۶
۴	۲/۱۷۴	۱۱/۴۴۳	۵۹/۲۶۹
۵	۱/۴۸۲	۷/۸۰۱	۶۷/۰۷۰

جدول ۴. طبقه‌بندی موانع توسعه کسب‌وکار از دیدگاه پاسخگویان

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
موانع فردی - شخصیتی	عدم توانایی صحبت کردن در جمع	۰/۷۵
	ضعف قدرت چانه‌زنی در حرفه و کار	۰/۸۶
	قبول نکردن مسئولیت توسط شما	۰/۸۴
موانع روان‌شناختی	عدم اعتماد افراد محلی (روستاییان) به یکدیگر	۰/۷۶
	داشتن تجربه ناموفق قبلی	۰/۸۳
	ترس از شکست کسب‌وکار	۰/۷۴
موانع آموزشی و فرهنگی	ضعف اعتمادبه‌نفس و خودباوری پایین	۰/۷۳
	عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی	۰/۵۳
	بی‌سوادی و کم‌سوادی روستاییان	۰/۶۴
موانع محیطی	پایین بودن مهارت‌های حرفه‌ای	۰/۴۲
	تعداد زیاد فرزندان	۰/۵۶
	عدم حمایت دولت از کارآفرینان	۰/۷۵
موانع اقتصادی	زیاد بودن مشغله کاری داخل منزل با فعالیت شغلی	۰/۷۵
	نبود فرصت‌های شغلی در روستا	۰/۴۹
	عدم دسترسی به تسهیلات	۰/۷۳
موانع اقتصادی	نبود فرصت‌های شغلی برای روستاییان	۰/۶۹
	نداشتن پس‌انداز کافی	۰/۶۴
	نداشتن انگیزه برای انجام فعالیت اقتصادی	۰/۶۲
	مخالفت همسر، پدر یا سایر اعضای خانواده با فعالیت شغلی شما	۰/۵۱

براساس نتایج به‌دست‌آمده، بیشترین مقدار ویژه مربوط به عامل فردی - شخصیتی (۴/۴۹۳) است که ۲۳/۶۴۷ درصد از واریانس کل عوامل بازدارنده توسعه کسب‌وکار را تبیین می‌کند. پس‌از آن، به ترتیب عامل روان‌شناختی (۲/۳۹۹ درصد)، عامل آموزشی - فرهنگی (۲/۱۹۵ درصد)، موانع محیطی (۲/۱۷۴ درصد)، موانع اقتصادی (۱/۴۸۲ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده، عامل اول به نام «فردی - شخصیتی» نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۴/۴۹۳ که از تمامی عامل‌های دیگر بیشتر است، به‌تنهایی ۲۳/۶۴۷ درصد از تغییرات واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کند. درواقع می‌توان گفت که اصول حاکم بر جامعه روستایی و به‌خصوص خانواده از جمله عدم توانایی صحبت کردن در جمع، ضعف قدرت چانه‌زنی در حرفه و کار و قبول نکردن مسئولیت بر توسعه و اشتغال در کسب‌وکارهای خانگی مؤثر است و از جمله عوامل و دلایل کاهش فعالیت‌های اقتصادی روستاییان (زنان و مردان) به‌شمار می‌رود.

متغیرهای تشکیل‌دهنده عامل روان‌شناختی نیز با مقدار ویژه ۲/۳۹۹، ۱۲/۶۲۸ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است. در ادامه، به‌منظور بررسی اعتبار سازه‌های پرسشنامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به موانع راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارها در مناطق روستایی، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم در قالب نرم‌افزار LISREL نسخه ۸/۸ تجزیه و تحلیل گردید (جدول، ۴).

جدول ۵. سازه‌های بازدارنده توسعه کسب‌وکارها از دیدگاه پاسخگویان

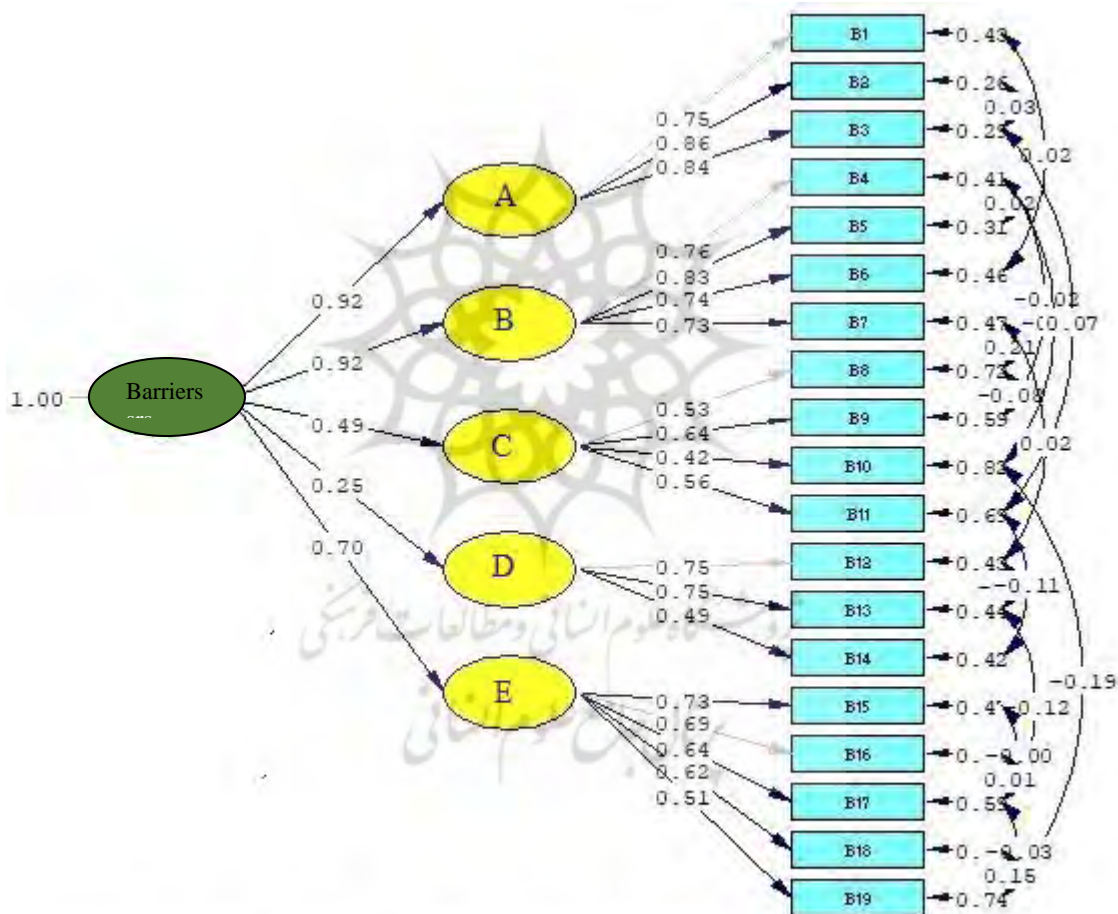
نام عامل	متغیرها	مقدار T	بار عاملی
موانع فردی - شخصیتی (A)	عدم توانایی صحبت کردن در جمع	--	۰/۷۵
	ضعف قدرت چانه‌زنی در حرفه و کار	۱۱/۳۶	۰/۸۶
	قبول نکردن مسئولیت توسط شما	۱۱/۱۳	۰/۸۴
موانع روان‌شناختی (B)	عدم اعتماد افراد محلی (روستاییان) به یکدیگر	--	۰/۷۶
	داشتن تجربه ناموفق قبلی	۱۲/۶۲	۰/۸۳
	ترس از شکست کسب‌وکار	۱۰/۴۰	۰/۷۴
موانع آموزشی و فرهنگی (C)	ضعف اعتماد به نفس و خودباوری پایین	۱۰/۴۲	۰/۷۳
	عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی	--	۰/۵۳
	بی‌سوادی و کم‌سوادی روستاییان	۵/۸۰	۰/۶۴
موانع محیطی (D)	پایین بودن مهارت‌های حرفه‌ای	۴/۶۵	۰/۴۲
	تعداد زیاد فرزندان	۵/۴۹	۰/۵۶
	عدم حمایت دولت از کارآفرینان	۷/۹۲	۰/۷۵
موانع اقتصادی (E)	زیاد بودن مشغله کاری داخل منزل با فعالیت شغلی	۴/۶۰	۰/۷۵
	نبود فرصت‌های شغلی در روستا	۴/۶۹	۰/۴۹
	عدم دسترسی به تسهیلات	--	۰/۷۳
موانع اقتصادی (E)	نبود فرصت‌های شغلی برای روستاییان	۸/۶۲	۰/۶۹
	نداشتن پس‌انداز کافی	۷/۷۲	۰/۶۴
	نداشتن انگیزه برای انجام فعالیت اقتصادی	۷/۶۵	۰/۶۲
	مخالفت همسر، پدر یا سایر اعضای خانواده با فعالیت شغلی شما	۶/۴۴	۰/۵۱

همان‌طور که از مدل برازش شده در شکل ۳، پیدا است، تمام متغیرهای آشکار وارد شده در مدل، بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۴ داشتند و مقادیر t معنی‌دار بود. این موضوع نشان‌دهنده تبیین مناسب پنج متغیر مکنون مورد مطالعه (شامل فردی - شخصیتی، روان‌شناختی، موانع آموزشی - فرهنگی، موانع محیطی و موانع اقتصادی) توسط متغیرهای آشکار است.

باتوجه به اطلاعات ارائه‌شده در جدول ۵، مدل اندازه‌گیری به‌دست‌آمده، برازش مطلوبی داشت. طبق شاخص‌های برازندگی که در جدول ۶، نشان داده‌شده است، می‌توان بیان کرد که مدل اندازه‌گیری موانع توسعه کسب‌وکار از دیدگاه روستاییان مورد مطالعه (شکل ۳)، به‌منظور برازش روابط بین شاخص‌ها و نشانگرهای مربوط به آن‌ها معتبر و قابل قبول است.

جدول ۶. نتایج میزان انطباق مدل موانع توسعه کسب‌وکار با شاخص‌های برازش

شاخص	df / x 2	NFI	NNFI	CFI	RMSEA
معیار پیشنهادشده	≤ 3	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≤ 0.07
مقدار گزارش شده	۳/۰۱۹	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۰۷

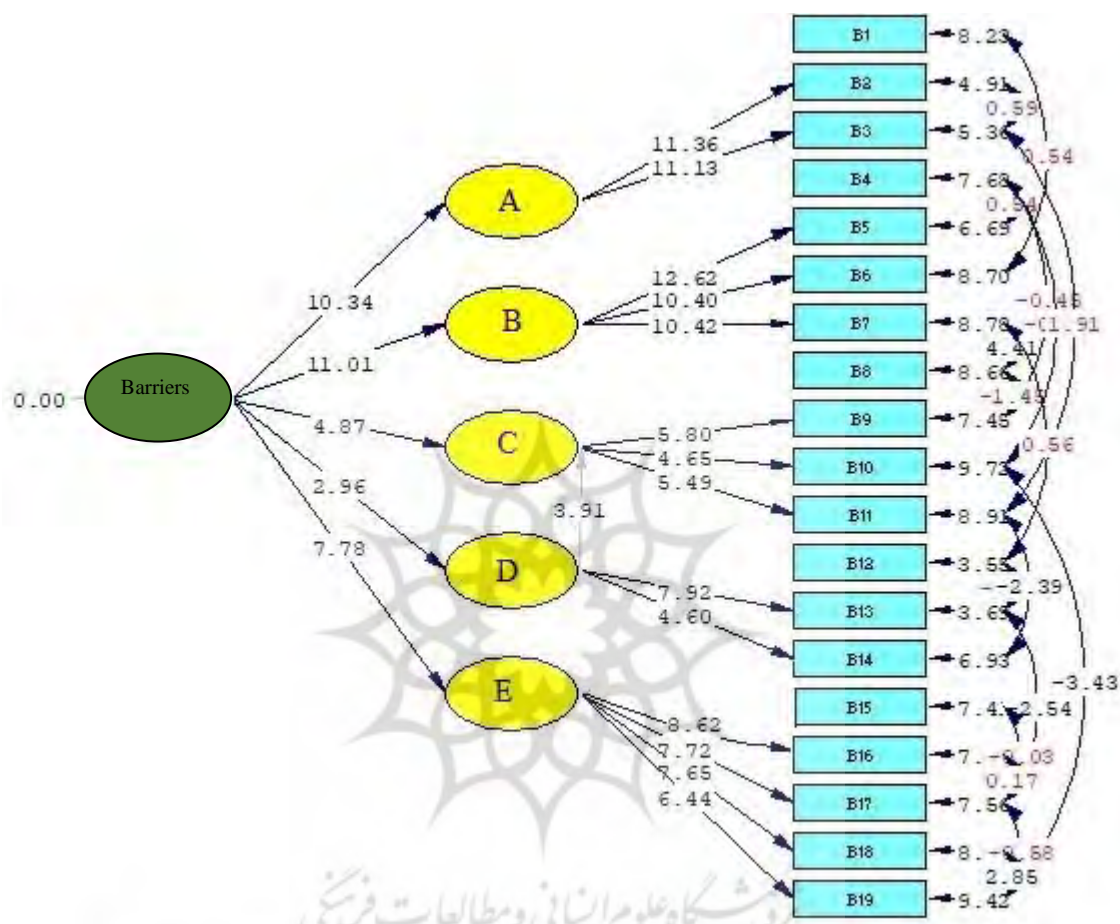


Chi-Square=389.52, df=129, P-value=0.00000, RMSEA=0.07

شکل ۳. مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت استاندارد

براساس نتایج جدول ۷ و شکل ۴، رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه اول در تشکیل سازه مرتبه دوم، همراه با مقدار t و باره‌ای عاملی هر یک از عامل‌ها (مقادیر ضریب گاما) نشان داده‌شده است. مقادیر ضریب گاما می‌توانند شدت رابطه بین عامل‌های مرتبه اول و عامل مرتبه دوم را نشان دهند. براین اساس نتایج پژوهش نشان داد که به ترتیب اولویت عوامل فردی-

شخصیتی، روان‌شناختی، موانع محیطی، آموزشی- فرهنگی و موانع اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کسب‌وکار از دیدگاه روستائیان مورد مطالعه شناسایی شدند.



Chi-Square=389.52, df=129, P-value=0.00000, RMSEA=0.07

شکل ۴. مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت معنی‌داری

جدول ۷. رتبه بندی موانع توسعه کسب‌وکارهای روستایی از دیدگاه پاسخگویان

رتبه	شاخص‌های مرتبه اول	λ	T	Sig
۱	فردی-شخصیتی	۰/۹۲	۱۰/۳۴	۰/۰۱
۲	روان‌شناختی	۰/۹۲	۱۱/۰۱	۰/۰۱
۳	موانع محیطی	۰/۷۰	۷/۷۸	۰/۰۱
۴	آموزشی- فرهنگی	۰/۶۹	۴/۸۷	۰/۰۱
۵	موانع اقتصادی	۰/۲۵	۲/۹۶	۰/۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه‌شده باید گفت که در دهه‌های اخیر، کسب‌وکارهای کوچک و خرد روستاییان در کشورهای درحال توسعه تنها به تأمین مالی و تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های روستاییان محدود نبوده، بلکه اثرگذار در ابعاد مختلف زندگی روستاییان است. به این ترتیب مردم آسیب‌پذیر روستایی به دلایلی چند از عمده گروه‌های هدف و نخستین افرادی هستند که به این گونه کسب‌وکارها گرایش دارند. فقرای روستایی تجربه و درک عمیق‌تری از فقر، گرسنگی و قحطی داشته و از سطح تجربه بیشتری برای زندگی‌شان برخوردارند. آن‌ها از دسترسی به هرگونه امکانات محروم بوده و به دلایل فرهنگی و اجتماعی، فعالیت‌های آن‌ها محدود به خانه و روستا شده و همچنین از ضریب اطمینان اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردارند؛ باوجوداین همه محدودیت‌ها و چالش‌ها روستاییان بسیار فقیر افرادی با برنامه برای ارتقای وضعیت فرزندان و خانواده و بهبود کیفیت زندگی بوده و از آمادگی بیشتری برای اشتغال در کسب‌وکارهای بسیار کوچک و کسب درآمد برخوردارند. این نوع کسب‌وکار با تأمین مالی نقش بسیار مؤثری در آگاهی، عزت و کرامت انسانی، احساس هویت و اعتمادبه‌نفس، پویایی و تحرک، شادی و نشاط، احساس مسئولیت فردی و جمعی، رونق اقتصادی خانواده و جامعه، سرمایه‌گذاری، مشارکت، مبارزه با فقر و... برای آن‌ها در بردارد.

مهم‌ترین عوامل بازدارنده در توسعه کسب‌وکارهای روستایی، عامل روان‌شناختی، شامل متغیرهای عدم اعتماد افراد محلی (روستاییان) به یکدیگر، داشتن تجربه ناموفق قبلی، ترس از شکست کسب‌وکار و ضعف اعتمادبه‌نفس و خودباوری پایین هست. جواهری و قضاوتی (Javaheri & Qzavati, 2004) نیز در پژوهش خود، عامل روان‌شناختی را از مهم‌ترین موانع توسعه کسب‌وکارها دانستند. درواقع می‌توان گفت محیط نامناسب خانوادگی و نداشتن خودباوری از موانع مهم برای کارآفرینی است. موانع آموزشی و فرهنگی، شامل عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی، بی‌سوادی و کم‌سوادی و پایین بودن مهارت‌های حرفه‌ای تعداد زیاد فرزندان جزو عوامل محدودکننده در راستای ایجاد کسب‌وکار با رویکرد آموزشی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های یعقوبی فراهانی (Yaghoubi farahani, 2014) مطابقت دارد.

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که عامل محیطی مانعی در توسعه کسب‌وکار روستایی محسوب می‌شود. درواقع مهم‌ترین موانع پیشروی رنان به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: فشار کار و مسئولیت خانوادگی و کمبود وقت، ضعف در ایجاد شبکه‌ها ارتباطات در بین رنان، سطح تحصیلات پایین و تعصبات اجتماعی؛ است. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های گلرد و همکاران (Gelard et al., 2017)، محمدی و همکاران (Mohammadi et al., 2020)، یعقوبی فرانی (Yaghoubi farahani, 2014)، نجفی و صفا (Najafi & Safa, 2013) مطابقت دارد.

درنهایت، سازه موانع اقتصادی نیز با متغیرهای عدم دسترسی به تسهیلات، نبود فرصت‌های شغلی برای رنان روستایی و نداشتن پس‌انداز کافی اولویت پنجم را به خود اختصاص داد. درواقع محدودیت‌های اقتصادی از موانع توسعه کسب‌وکار است. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های میرلطفی و همکاران (Mirlotfi et al., 2013)، مرادنژادی (Moradnezahadi, 2019)، نجفی و صفا (Najafi & Safa., 2013) مطابقت دارد.

درنهایت می‌توان گفت، با توجه به شناسایی عوامل بازدارنده کسب‌وکارهای روستایی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که توسعه کسب‌وکارهای روستایی به دلیل موانع مختلفی مانند عوامل فردی- شخصیتی، روان‌شناختی، موانع محیطی، آموزشی- فرهنگی و موانع اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کسب‌وکار از دیدگاه روستاییان مورد مطالعه شناسایی شدند. بنابراین برای توسعه کسب‌وکارهای روستایی، باید این موانع را شناسایی کرده و راهکارهای مناسبی را برای غلبه بر آن‌ها ارائه داد. برای مثال، باید با ایجاد حمایت‌های دولتی، تسهیل در دسترسی به منابع مالی، افزایش دسترسی به آموزش و مهارت‌های فنی، تسهیل در دسترسی به فناوری‌های نوین و غیره، شرایط را برای رونق کسب‌وکارهای روستایی بهبود بخشید. همچنین، با توجه به اینکه کسب‌وکارهای

روستایی بر اساس تعامل و همکاری بین افراد در روستا و با بخش‌های دیگر اجتماعی باید صورت گیرد، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و تعامل با سایر کسب‌وکارها و روستاها نیز می‌تواند به رشد کسب‌وکارهای روستایی کمک کند. بر اساس دیگر نتایج پژوهش، به‌منظور ایجاد و گسترش زمینه‌هایی برای فعالیت در کسب‌وکارها و کارآفرینی روستاییان باتوجه به شرایط و فرهنگ جوامع روستایی مورد مطالعه پیشنهادهایی در ذیل ارائه شده است:

- تدوین برنامه‌های آموزشی در جامعه روستایی مورد مطالعه باهدف ایجاد تحول در باورهای فرهنگی خانواده‌ها و جامعه روستایی نسبت به توانمندی روستاییان در فعالیتهای اقتصادی.

- آگاهی و ارائه آموزش در حمایت از شاغلان روستایی در کسب‌وکارهای خرد و بسیار کوچک در خانواده و جامعه.

- ارائه تسهیلاتی در راستای ایجاد و توسعه کسب‌وکار بسیار کوچک برای روستاییان.

- شناسایی و معرفی افراد موفق کارآفرین به‌عنوان الگوی موفق و به‌کارگیری تجارب آنان و راهبردهای نوین در راستای تقویت و توسعه کسب‌وکارهای بسیار کوچک و خرد روستایی.

References

- Abedi Sarostani, A., Abdullahzadeh, Gh., & Mahboubi, M. (2013). Domestic employment and barriers to business and entrepreneurs, a study on rural women in Kermanshah city, National Conference on Entrepreneurship and Business Management, Danesh Banyan, Babolsar, <https://civilica.com/doc/174840>. [In Persian]
- Aghi, H., Mirzadeh, A. A., & Taghibeigi, M. (2011). Prioritization of factors affecting the development of rural women's home businesses. *Women and Society Scientific-Research Quarterly*, 3 (3), 181-201. [In Persian]
- Alambaigi, A., Jalilian, S., & Latifi, S. (2018). Effect of entrepreneurship characteristics on rural youths' attitude and intention toward self-employment (Case study villages of West Islamabad County). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 48(4), 681-691. doi: 10.22059/ijaedr.2018.65241. [In Persian]
- Fatoki, O. (2014). The causes of the failure of new small and medium enterprises in South Africa. *Journal of Social Sciences*, 5(20), 922_927.
- Galloway, L., & Kapasi, I. (2014). Rural home-based businesses and their contribution to rural lives: An exploratory study. Research Report, Heriot-Watt University, Edinburgh.
- Gelard, P., Hosseini, A., & Askari, A. (2016). The relationship between social networks and the performance of women's businesses with the mediating role of entrepreneurial consciousness and gender discrimination. *Entrepreneurship Development*, 10 (2), 299-318. [In Persian]
- Gelard, P., Hosseini, M. H., & Asgari, E. (2017). The relationship between social networks and performance of women's businesses: the mediating role of entrepreneurial alertness and gender discrimination. *Journal of Entrepreneurship Development*, 10(2), 299-318. doi: 10.22059/jed.2017.231257.652186. [In Persian]
- Ghorbani Piralidehi, F. (2021). Barriers to the development of women, s home businesses in rural areas (Case study; Rezvanshahr city of Guilan province). *Geographical Studies of Coastal Areas Journal*, 1(3), 5-26. doi: 10.22124/gscaj.2021.18897.1068
- Gibosen, J., & Olivia, S. (2010). The effect of infrastructure access and quality on non-farm enterprises in rural Indonesia. *Proceeding of International Association of Agricultural Economists Conference*, Beijing, China, 16-22 August, pp. 1-23.
- Harpa, E., Moica, S., & Dana, R. (2015). A predictive model of innovation in rural entrepreneurship. *Procedia Technology*, 19, 471-478.
- Jalilian, S., & Alambaigi, A. (2023). Exploring of Organizational Transformation Components towards Implementation of Information System in Fisheries Organization. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 18(2), 19-35. [In Persian]
- Jalilian, S., & Saadi, H. (2015). Investigation Effect of Socio- Economical Components on Rural Women's Psychological Empowerment in Islamabad Qarb County. *Journal of Rural Research*, 6(4), 745-767. doi: 10.22059/jrur.2015.57108. [In Persian]
- Jalilian, S., Alambaigi, A., Hejazi, Y., Rezvanfar, A., & Rezaei, A. (2021). Content analysis of change organization toward confirmed Information System in Iranian Fisheries organization. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*. doi: 10.22059/ijaedr.2020.305198.668920 [In Persian]
- Jaliliyan, S., & Saadi, H. (2016). The Role of Rural Women's Home Business and Empowerment on Family Economic Decision-making (Case study: Islam-Abad Gharb County). *Regional Planning*, 6(21), 129-142. [In Persian]
- Javaheri, F., & Qadati, S. (2004). Entrepreneurial women, examining the impact of gender inequality on women's entrepreneurship in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 5(2), 131-178. [In Persian]
- Kelly, S., & Price, H. (2009). Vocational education: A clean slate for disengaged students. *Social Science Research*, 38, 810-825.
- Mc Elwee, G. (2005). Developing entrepreneurial skills of farmers. University of Lincoln.

- Mirghafoori, S. H., Sayyadi Tooranloo, H., & Taheri Demneh, M. (2009). Investigating the barriers of women's entrepreneurship in Iran Society (Case: the women entrepreneurs of Yazd province). *Transformation Management Journal*, 1(2), 47-64. doi: 10.22067/pmt.v1i2.2883. [In Persian]
- Mirlofti, M. R., & Alavizadeh, S. A. M., & Badakhsh, Y. (2013). Pathology of the effects of the development of home businesses in rural areas (case study: villages of Dishmuk district, Kohgiluyeh), <https://civilica.com/doc/663811> [In Persian]
- Mirzaei, E. A., & Tahmasabi, M. (2009). Obstacles to the development of rural women's entrepreneurship (a case study of Minobar Abadan district). *Annual Conference on Management, Innovation and Entrepreneurship*. [In Persian]
- Mohammadi, S., Safyari, R., & Khosravi, R. (2020). Analysis of Effective Barriers on The tendency of villagers to entrepreneurial micro businesses (Case Study: Mariwan and Sarvabad County). *Geography and Development*, 18(58), 133-154. doi: 10.22111/gdij.2020.5189 [In Persian]
- moradnezhad, H. (2019). Analyzing Barriers of Home Businesses Start up in Rural Areas of Ilam Province. *Agricultural Economics Research*, 11(43), 303-318. [In Persian]
- Movahedi, R., & Jalilian, S. (2019). Entrepreneurial Competencies of Managers in Hamedan's Rural Women Cooperatives (RWC). *International Journal of Agricultural Management and Development*, 10 (2), 175-188.
- Naderi Mahdei, K., & Jalilian, S. (2016). Analysis of Food Insecurity and Some Factors Affecting to Rural Women Heads of Household in Islamabad Qarb County. *Journal of Research and Rural Planning*, 5(2), 29-45. doi: 10.22067/jrrp.v5i2.42423 [In Persian]
- Najafi, B., & Safa, L. (2013). Investigating entrepreneurial home businesses and the obstacles and challenges of their development in rural areas. *Entrepreneurship studies and sustainable agricultural development*, 1(2), 61-73. [In Persian]
- Newbery, R., & Bosworth, G. (2010). Home based business sectors in the rural economy. *Society and Business Review*, 5 (2), 183-197.
- Omidi, N. (2024). Identifying barriers to the development of rural businesses with the approach of residents' sustainability (case of study: border villages of Ilam province). *Geographical Engineering of Territory*, 7(4). doi: 10.22034/jget.2024.156699
- Pierce- Lyons, R. (2009). The Home Entrepreneur Systems Model: A grounded theory of home-based business needs and practices. Ph.D. thesis, James Cook University, Queensland, Australia.
- Rezaei, R., & Najafi, B. (2015). Barriers of Starting and Expanding Home based Businesses in Rural Areas of Urmia County. *Journal of Entrepreneurship Development*, 8(3), 433-451. doi: 10.22059/jed.2015.57644 [In Persian]
- Sathiabama, K. (2010). Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development. From: <http://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.
- Shabbir, A., & Gregorio, S. (1996). An Examination of the Relationship Between Women Personal Goals and Structural Factors Influencing their Decision to Start A Business: the Case of Pakistan. *Journal of Business Venturing*, 4, 507-529.
- Smit, A. B. (2004). Changing external conditions require high levels of entrepreneurship in Agriculture. In: Bokelman. Proceedings of the 15th International Symposium on Horticultural Economics and Management, Berlin, Germany.
- Taggart, v. (2010). Networking experiences of Australian home based businesses. DBA Thesis, Southern Cross University, Australia.
- Taki, A., Rezai Zadeh, M., & Notash, H. (2017). Identifying the competencies that hinder the sustainability of entrepreneurs of small and medium businesses (case study: businesses active in the food industry). *Entrepreneurship Development*, 11 (2), 281-300. [In Persian]
- World Bank. (2018). Reading the rural poor: UN Updated Strategy for Rural Development, *Washington*, (1):65-68.
- Yaghoubi Farani A., & Jalilian S. (2015). Social and Economic Consequences of Domestic Occupations of Rural Women in the County of West Islam-Abad. *Serd*; 4 (12) :93-113. [In Persian]
- Yaghoubi Farani, A., Vahdat Moaddab, H., & Latifi, S. (2014). Identifying Inhibitions of Rural Women's Trend to Home Businesses (Case Study: Sardrod district, Razan county). *Woman in Development & Politics*, 11(4), 559-574. doi: 10.22059/jwdp.2014.50289 [In Persian]
- Yang, D. T., & An, M. Y. (2002). Human capital, entrepreneurship, and farm household earnings. *Journal of Development Economics*, 68 (2): 65-88.

